

تحلیلی بر تأثیرپذیری تجسیمی سلفیان از اسرائیلیات با تمرکز بر دیدگاه ابن تیمیه*

حمزه علی بهرامی**

چکیده

بحث تأثیرگذاری عقاید یهودی در جامعه مسلمانان موضوعی است که از همان عصر صحابه با نام اسرائیلیات وجود داشته است. سلفیان ابن تیمیه گرا یکی از فرقه‌های تأثیرگذار معاصر هستند و ابن تیمیه نقش مؤثری در شکل‌گیری سلفیان داشته است. هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال است که آیا خداشناسی تشبیهی سلفیان تأثیری از خداشناسی تجسیمی یهودیان گرفته است؟ یهودیان چه نقشی در شکل‌گیری خداشناسی سلفیان داشته‌اند؟ فرضیه پژوهش این است که اندیشه تشبیهی سلفیان متأثر از نفوذ فرهنگی یهودیان بوده و باور تشبیهی یک باور وارداتی به جهان اسلام است تا یک عقیده اصیل اسلامی. پژوهش حاضر با روشی اسنادی، تحلیلی تطبیقی در پی اثبات این فرضیه به شباهت‌ها و شواهد و اعترافاتی از تأثیرپذیری خداشناسی تجسیمی سلفیان از یهودیان دست‌یافته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اولاً تفسیر قطعی تأویل‌گرایانه از عقاید و باورهای یهود در باب صفات خبری خداوند ناصحیح است. ثانیاً وجه مشترک باور تجسیمی سلفیان و یهودیان این تصور را ایجاد می‌کند که خداشناسی تجسیمی سلفیان در قالب پذیرش اسرائیلیات منبعث و متأثر از خداشناسی تشبیهی یهودیان بوده است. ثالثاً این همگرایی نظری می‌تواند موجب نوعی همگرایی عملی میان سلفیان تکفیری با یهودیان صهیونیسم باشد.

کلید واژه‌ها: سلفیان، یهودیان، ابن تیمیه، اسرائیلیات.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** استادیار دانشکده الهیات و معارف گروه معارف دانشگاه اصفهان/

۱. مقدمه و طرح مسئله

جریان سلفی تکفیری یکی از فرقه‌های زنده و تأثیرگذار در تاریخ فرق اسلامی است. این جریان فکری با اندیشه‌های چهره‌هایی نظیر احمد بن حنبل، بربهاری، ابن تیمیه، ابن قیم و محمدبن عبدالوهاب پیوندی عمیق دارد؛ وهابیت نام آشنایی برای این گروه است. از سویی دیگر کارشکنی، دشمنی، خیانت، فتنه‌سازی، جاسوسی، پیمان‌شکنی، تفرقه، نفاق و انحراف قبایل یهودی ساکن مدینه نظیر قبیله بنی قینقاع، بنی قریظه و بنی‌نضیر در خبیر علیه مسلمانان صدر اسلام از بدیهیات تاریخی است.

امروزه همکاری و حمایت یهودیان تکفیری صهیونیسم از گروه‌های سلفی تکفیری نظیر داعش و النصرة و درمان مجروحین جنگی آن‌ها بارها رسانه‌ای شده است. همچنین برخی از فقهای معاصر سلفیه فتاوایی در تطهیر و تمجید صهیونیست‌ها داده‌اند. حال این سؤال پیش می‌آید که فارغ از همکاری عملی میان این دو جریان تکفیری آیا هم‌باوری نظری در حوزه خداشناسی هم میان آن‌ها وجود دارد؟

هدف کلی پژوهش پیش‌رو در پاسخ به این سؤال شکل گرفته است که اندیشه‌های یهودی چه نقش و تأثیر نظری در شکل‌گیری و گسترش باورهای توحیدی جریان سلفی و تکفیری داشته است؟ هدف جزئی پژوهش نیز یافتن رابطه میان تفکر تجسیمی سلفیان در صفات خبری خداوند با یهودیان است. هدف فرعی پژوهش اصلاح باوری است که دیدگاه یهودیان در صفات خبری خداوند را صرفاً تأویل‌گرایانه می‌دانند یا معتقد به تأثیرپذیری یهودیان از سلفیان هستند. گفتنی است که هدف پژوهش مقایسه و تطبیق باورهای یهود و سلفیان نیست، بلکه همچنان که گفته شد اثبات این فرضیه است که عالمان اهل سنت و همچنین سلفیان خودشان اعتراف دارند که عقاید تجسیمی در حوزه خداشناسی را از یهودیان اخذ کرده‌اند.

این پژوهش با روشی اسنادی و تحلیلی، تطبیقی پس از طرح مقدمات و تبیین مفاهیم محوری ابتدا به اثبات رویکرد تجسیمی در باب صفات خبری خداوند در هر دو جریان می‌پردازد، سپس به شواهدی می‌پردازد که بر اساس آن‌ها رویکرد تجسیمی سلفیان متأثر و منبعث از یهودیان است. قبل از ورود به بحث، ذکر این نکته لازم است که رسالت مقاله نه اثبات تجسیم باوری یهودیان، بلکه در پی اثبات این امر است که شواهد و قرآینی از سلفیان و غیر سلفیان، مبنی بر اینکه عقیده نظری تجسیم انگاری سلفیان متأثر از یهودیان و اسرائیلیات بوده است، اقامه کند.

۱. پیشینه پژوهش

با جستجو در پژوهش‌های انجام گرفته پژوهشی که به صورت خاص به موضوع مقاله حاضر پرداخته باشد، یافت نشد. عمده پژوهش‌ها در این عنوان اعم از مقاله یا کتاب که توسط پژوهشگرانی نظیر محمد ابوشبیه، محمدتقی دیاری، منصور پهلوان، مجید معارف، حمید محمدقاسمی، ابراهیمی جویباری، افشین حاتمی و... نگاشته شده است به موضوع اسرائیلیات در تفاسیر یا قصص قرآنی یا به ملاک‌های شناسایی اسرائیلیات در تفاسیر اشاره دارند.

نزدیک‌ترین پژوهش به مقاله پیش‌رو، مقاله «فرقه وهابیه، مروج اصول اعتقادی اسرائیلیه»، نوشته محمد مرتضوی است که در شماره ۲۶ مجله‌اندیشه نوین دینی چاپ شده است. در این مقاله به عوامل ترویج فرهنگ یهودی در جامعه اسلامی نظیر اهل کتاب، کعب الاحبار، تمیم داری، وهب بن منبه، ابوهریره و عبدالله بن عمرو عاص پرداخته شده است. درحالی که یکی از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر این است که به قرائن و شواهدی از اعترافات خود سلفیان و دانشمندان اهل سنت اشاره می‌کند که باور تجسیمی سلفیان را به یهود انتساب داده‌اند. همچنین به مواردی از صفات تشبیهی خداوند اشاره می‌کند که در کتاب مقدس یهودیان و منابع سلفیان یکسان به کار رفته است.

۳. تبیین مفاهیم محوری

۳.۱. جریان سلفی، تکفیری

جریان سلفی جریانی است که در معنای خاص سلف در کتاب‌های فرقه شناسی بیشتر با نام اهل حدیث یا اصحاب حدیث و گاهی با نام حنبلیان، مشبیه و مجسمه، وهابیت و سلفیه شناخته می‌شوند. این جریان از آغاز پیدایش در سیر تاریخی خود به وسیله افرادی نظیر مقاتل بن سلیمان، احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، ابن خزیمه، ابن تیمیه، ابن قیم و محمد بن عبدالوهاب تئوریزه و نظام‌مندتر شد. ابن تیمیه بیش از همه اصطلاح «سلفی» را در نوشته‌های خود به کاربرد و مظهر دفاع از عقاید سلف شد و آنان را به سه قرن نخست اسلامی محدود ساخت. (بهرامی، ۱۳۹۷: مقدمه)

سلفیان پس از ابن تیمیه به گونه‌های متعددی تقسیم می‌شوند؛ شاخه‌های عمده جریان سلفی معاصر عبارتند از:

۱. شاخه سلفیان سنت‌گرای حجاز یا همان وهابیت و خاندان آل شیخ؛
۲. شاخه سلفیان صوفی‌گرای شبه قاره هند و پاکستان که همان مدرسه دیوبندیه و شاگران شاه ولی الله دهلوی هستند. جنبش‌های لشکر جهنگوی، سپاه صحابه، القاعده و طالبان مربوط به این شاخه هستند؛

۳. شاخه سلفیان شمال آفریقا و مصر که سید قطب و رشید رضا و حسن البنا و اخوان المسلمین مظهر این گرایش هستند؛
 ۴. شاخه سلفیان عراق و شام که جنبش‌های داعش و النصره معروف به القاعده عراق هستند؛
 ۵. شاخه سلفیان آفریقای مرکزی که جنبش بوکوحرام در نیجریه، چاد، کامرون، نیجر، سودان... تجلی بارز آن است؛
 ۶. شاخه سلفیان یمن که از پیروان ابن‌الوزیر، ابن‌الامیر صنعانی، شوکانی و مقبل بن‌هادی ودعی همدانی هستند؛
 ۷. سلفیان آسیای مرکزی که بیشتر در چین، تاتارستان، ایغور چین، ازبکستان و تاجیکستان فعال هستند؛
 ۸. شاخه دیگری از سلفیان در ایران معاصر فعال است. گرچه سلفیان ایران تفاوت‌هایی با دیگر سلفیان دارند، اما به اعتبار پذیرش باورهای ابن‌تیمیه از آن‌ها با نام وهابیان شیعه یا مکتب قرآنیان یاد می‌شود. سید ابوالفضل برقی چهره شاخص سلفیان ایران است. (سایت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جریان‌شناسی گروه‌های سلفی)
- آنچه گفته شد اشاره اجمالی به برخی از عمده‌ترین جنبش‌های سلفی معاصر است. یکی از ویژگی‌های مشترک همه جنبش‌های سلفی، پذیرش نسبی باورها و عقاید ابن‌تیمیه است. تمرکز مقاله بر روی دیدگاه ابن‌تیمیه می‌تواند دیدگاه نسبی همه جریان‌های سلفی باشد، اگرچه در بین انواع جنبش‌های سلفی جنبش حجاز و نجد با رویکرد سنت‌گرای وهابیت مورد توجه قرار گرفته است.

۳.۲. یهود

واژه «یهود» در کتاب مقدس به معنای قوم یهود و سرزمین یهودا استعمال شده است. واژه «یهود» از لغت آرامی یهودای که از ریشه عبری لغت یهودی است گرفته شده است. در کتاب مقدس به قوم یهودا، یهودیم اطلاق می‌شود. این نام از فرزند چهارم یعقوب که نامش یهودا بود گرفته شده است. (ادوارد پیترز، بی‌تا: مقدمه)

۴. تجسیم‌گرایی سلفیان

یکی از شاخص‌های اصلی اندیشه سلفیان، ظاهرگرایی و تجسیم‌باوری آنان است. ابن‌تیمیه در مقام توصیف خداوند می‌نویسد: «لیس فی کتاب الله و لا سنة رسوله و لا قول أحد من سلف الامة و أئمتها انه لیس بجسم»؛ قرآن، سنت و سیره سلف جسمانیت

خداوند را انکار نمی‌کند. (ابن تیمیه ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۳۷۳) شهرستانی در بیان اندیشه‌های سلفیان می‌نویسد:

مشبهه بر این باورند که می‌شود خداوند را لمس و با او معانقه و مصافحه کرد و او را در آغوش گرفت. خدای سلفیان گوشت و پوست و اعضا و جوارح دارد. موهای او سیاه و مجعد است. از شدت گریه در طوفان نوح چشمان خداوند درد می‌کند و فرشتگان به عیادت او می‌آیند. پیامبر سردی دستان خداوند بر دوش خود را احساس نموده است. خداوند به‌غیر از آلت تناسلی و محاسن واجد مابقی اعضا و جوارح انسانی است. (شهرستانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۰۰)

ابن عساکر گزارش می‌کند:

گروهی از حشویه که خود را حنبلی می‌نامند، معتقدند که خداوند سوار بر الاغ به شکل جوانی امرد و موی تراشیده به زمین در حال رفت‌وآمد است. بر سر خدا تاجی و برپاهایش کفش‌هایی زرین پوشیده است. خدا با صدایی نظیر شیهه اسب یا صدای رعد با مردم سخن می‌گوید. اینان این‌گونه اخبار را ترویج و معتقدند که باید ظاهر آن‌ها را بدون تأویل پذیرفت. (ابن عساکر، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۱۰)

هرگاه خداوند بر کرسی خود می‌نشیند صدایی همانند صدای زین شتر هنگام سوارشدن شخص سنگین بر آن، شنیده می‌شود. (ابن احمد، ۱۹۸۶م، ج ۲: ۴۷۷)

۵. تجسیم‌گرایی یهود و گواهی قرآن به آن

شواهد فراوانی از تجسیم‌گرایی یهود وجود دارد که در ادامه مقاله به مستندات از عهدین به آن اشاره می‌شود. قرآن کریم نیز مانند تورات در آیات متعدد به تشبیه‌گرایی یهودیان اشاره کرده است.

۱. بت‌پرستی

بنی‌اسرائیل به موسی گفتند: «تو هم برای ما خدایی قرار ده که مانند خدایان آن‌ها باشد». (اعراف: ۱۳۸)

۲. رؤیت حسی خدا

«به یاد آرید هنگامی که گفتید: ای موسی ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر اینکه خدا را آشکارا ببینیم». (بقره: ۵۵)

۳. گوساله‌پرستی

«امت موسی گوساله را به‌عنوان خدا معرفی کرد». (اعراف: ۱۴۸؛ طه: ۸۸)

۴. فرزندخوانی برای خداوند

«یهود گفتند عزیر پسر خداست و نصارا گفتند مسیح پسر خداست». (توبه: ۳۳)

۵. ۱. مواردی از تجسیم‌گرایی مشترک یهودیان و سلفیان

۵. ۱. صورت خداوند

یکی از صفات جسمانی خداوند که در تورات به آن اشاره شده است صفت صورت باری تعالی است. بر اساس گزارش تورات خداوند انسان را شبیه صورت خودش آفریده است. در آیات متعددی از کتاب مقدس، خداوند با صفات بشری توصیف شده است. خداوند آدم را به صورت خویش آفرید. از ظاهر این آیات، چنین برمی‌آید که در کتاب مقدس بر تجسم یا تشبیه پروردگار، تصریح شده است. در سفر پیدایش چنین آمده است: «و خدا گفت آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم. پس خدا آدم را به صورت خود آفرید» (پیدایش، باب ۱، بند ۲۶)

۵. ۲. اعتراف سلفیان به صورت‌مندی خداوند

ابن تیمیه در صورت بخشیدن به خداوند، صورت انسان را شبیه به صورت خداوند می‌داند و چنین گوید: وقتی یکی از شما با برادرش نزاع و مخاصمه نماید، از سیلی و لطمه زدن به صورت او خودداری نماید، زیرا خداوند، آدم را مانند صورت خودش آفریده است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۴۴۴) ابن قتیبه و ابویعلی صورت را برای خداوند اثبات می‌کنند. (ابن جوزی، ۱۹۹۲م: ۱۴۷)

ابن منده قول به پذیرش صورت‌مندی خداوند را نیکوترین اقوال می‌داند و سیلی زدن بر چهره فرزند را شبیه سیلی‌کوبی بر گونه حضرت آدم می‌داند. (ابن منده، ۲۰۰۱م: ۵۳) ابن حزم نیز تأویل نصوص صورت‌مندی خداوند را کفر می‌داند. (ابن حزم بی‌تا، ج ۴: ۱۵۸) فرقه‌شناسان مسلمان نیز به صراحت صورت‌مندی خداوند را به فرق اهل حدیث و سلفی نسبت می‌دهند. (بزدوی، بی‌تا: ۲۲؛ شهرستانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۷۲)

صورت‌مندی خداوند در منابع فراوانی از سلفیان انعکاس یافته است. برای مثال کتاب «الرد علی الجهمیه» نوشته ابن منده و کتاب «رویه الله» اثر دارقطنی، مشحون از روایات تجسیمی است.^۱

^۱. به عنوان مثال، در این کتاب آمده است: «عن رسول الله أنه قال لا يقولن أحدكم لأحد قبح الله وجهك وجهاً أشبه وجهك فإن الله خلق آدم على صورته». (ابن خزيمة، ۱۹۹۴م، ج ۱: ۸۲) لازمه داشتن صورت این است که خداوند لوازم صورت از جمله چشم، بینی، دهان، دندان و گوش را هم داشته باشد.

۵.۳. راه رفتن خداوند

یکی از صفات الهی که در تورات به آن اشاره شده است صفت مجی و راه رفتن خداوند است. به عنوان مثال، درباره راه رفتن خدا می‌خوانیم: «عصر همان روز آدم و زنش، صدای پای خداوند را که در باغ راه می‌رفت شنیدند...» (پیدایش، باب ۳، بند ۸ و ۹) سلفیان با انکار هرگونه تأویل مجی و اتیان آن را یک صفت حقیقی و از افعال الهی می‌دانند. ابن‌قیم ذیل آیه ۲۱۰ بقره و ۲۲ فجر، مجاز خواندن این آیات را مردود و به پاسخ کسانی می‌پردازد که به تأویل مجی و اتیان خداوند باور ندارند. (ابن‌قیم، ۱۴۲۲ق: ۲۹۶، ۳۶۹) صفت مجی و اتیان در آیات (بقره: ۲۱۰؛ انعام: ۱۵۸؛ فجر: ۲۲؛ نحل: ۲۶؛ حشر: ۲) نقل شده است که ملاحظه تفاسیر سلفی ذیل آن‌ها حکایت از تشبیه و تجسم آنان می‌کند.

۵.۴. قائل شدن دست و انگشت برای خداوند

۵.۴.۱. دست خداوند در منابع یهودی

در تورات گزارش شده است که:
 - خداوند با دست چپش آسمان و با دست راستش زمین را خلق کرده است. (اشعیا، باب ۱۰، بند ۴۹)
 - حضرت داوود از خداوند می‌پرسد چرا دست راست را زیر بغل قرار داده و از مردم بازداشته‌ای؟ (مزامیر، باب ۱۱، بند ۷۴)

- خداوند دست راستش را دراز و دهان ارمیاه را مس می‌کند. (ارمیه، باب ۱، بند ۹)
 - حرمیاه نبی می‌گوید که خداوند گفت این جام شراب را از دست راست من بگیر و به همه قبایل بنوشان. خداوند از آسمان دست خود را دراز و من را از اعماق آب‌های بیرون آورد. خداوند از آسمان‌ها با دست راست خود من را نجات داد. (مزامیر، باب ۱۶، بند ۱۸)

بر اساس حدیثی، شخصی یهودی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای محمد [ﷺ] خداوند آسمان و زمین و کوه‌ها و مخلوقات را بر روی انگشتان خود نگه‌داشته و می‌گوید من پادشاه هستم. پیامبر پس از شنیدن سخنان یهودی خندید به طوری که دندان‌های او آشکار شد و آیه (و ما قدروا الله حق قدره...) را تلاوت نمودند. (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹: ۱۲۳) بر اساس مضمون حدیث، یهودیان بر این باور هستند که خداوند انگشت دارد. خنده پیامبر تأییدی بر این باور یهودیان و گزارش این حدیث در متون روایی سلفیان شاهی بر پذیرش آن و تأثیرپذیری از یهودیان است.

۵. ۴. ۲. دست خداوند در منابع سلفی

محمد بن عبدالوهاب تصریح می‌کند که یهودیان و سلفیان در اثبات و وجود دست برای خداوند نگاهی مشترک دارند. (لهیمید، بی‌تا: ۲۵) سلفیان با همراهی از اسرائیلیات برای باری تعالی دست را اثبات کرده‌اند. (ابن ابی‌یعلی، بی‌تا، ج: ۱؛ ۴۳) ابن‌قیم در اثبات ظاهری دست برای خداوند بیش از بیست استدلال ارائه کرده است. وی صفت ید را برای خداوند حقیقی و واقعی و ذاتی دانسته و مخالف هرگونه تأویل است: «لایقع شبهة فی انها لیست استعارية ولا مجازیة. لا یراد فیها شیء غیر الظاهر». (ابن‌قیم، ۱۴۲۲ق: ۱۸۳، ۴۶۰)

ظاهرگرایی برخی از سلفیان به حدی است که هرگونه تأویل را تلقی به کفر می‌دانند.^۱ (ابن تیمیه ۱۴۲۶ق، ج: ۱؛ ۲۹۵) رویکرد ظاهرگرایی دست برای خداوند در منابع حدیثی سلفیان بازتاب یافته است. برای نمونه به دو مورد اشاره می‌شود:

۱. به راستی که خداوند دستش را در شب برای آموزش گناهکاران روز می‌گشاید و در روز برای آموزش گناهکاران شب.^۲ (ابن حنبل، ۱۹۹۹م، ج: ۴؛ ۳۹۸)

۲. «عن ابن عمر قال: خلق الله أربعة أشياء بيده؛ العرش و جنات عدن و آدم و القلم». (حاکم، ۱۹۹۰م، ج: ۲؛ ۳۴۹)

۵. ۵. عرش و مکان‌مندی خداوند

در تورات آمده است که:

- خداوند بر تخت خود در بالای عرش آسمان‌ها نشسته و بر دشمنان خود لبخند می‌زند. (مزامیر، باب ۲، بند ۴ و ۱۱)

- خداوند می‌فرماید آسمان‌ها کرسی و زمین قدمگاه من است. (اشعیا، باب ۱، بند ۶۴)

- خداوند از آسمان دست خود را دراز و من را از اعماق آب‌های بیرون آورد. خداوند از آسمان‌ها با دست راست خود من را نجات داد. (مزامیر، باب ۱۶، بند ۱۸)

واژه «استوا علی العرش» بیش از هفت بار در قرآن به خداوند نسبت داده شده است.^۳ بر اساس ظاهر این آیات و همچنین روایات، باری تعالی بر عرش نشسته و تکیه نموده

۱. «ان هذا لتاویل محال من الکلام فضلاً عن انه یكون کفراً ونکفرهم ایضاً بالمشهور من کفرهم انهم لا یشتون الله تبارک و تعالی وجهاً الا بتاویل ضال و هذا ایضاً مذهب واضح فی الکفارهم فای کفر بأوضح ممّا حکینا عنهم من سوء مذهبهم».

۲. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ».

۳. اعراف: ۱۵۴؛ یونس: ۳؛ رعد: ۲؛ طه: ۵؛ فرقان: ۵۹؛ سجده: ۴؛ حدید: ۴.

است. لازمه ظاهری این سخن این است که باری تعالی مکان‌مند و اشاره‌مند است. متکلمان و مفسران اهل سنت این بخش از آیات و روایات را تأویل کرده‌اند، ولی سلفیان در همراهی با یهودیان ظاهر این نصوص را پذیرفته و هرگونه تأویل را انکار کرده‌اند. ابن تیمیه در پاسخ به کسی که از او پرسید: استوای بر عرش چگونه است؟ گفت: همان‌گونه که مالک گفته، استوا معلوم و کیفیت آن مجهول است و ایمان به آن واجب و سؤال از کیفیت آن بدعت است. ابن تیمیه در انکار تأویل‌گرایان عرش الهی می‌نویسد: اولاً این‌گونه تأویلات، تأویلات قریطیان است. ثانیاً نصوص قابل تأویل نمی‌باشند. ثالثاً عقل را راهی برای رسیدن به یقین در امور الهی نیست. استوای بر عرش را نمی‌توان به معنی استیلا بر عموم اشیاء دانست، بلکه استوا مختص بر عرش است، نه سایر اشیاء. ابن تیمیه صفت استوای بر عرش را یک صفت حقیقی و واقعی می‌داند. (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۳: ۲۲۰، ۲۶۱؛ ج ۵: ۱۴۵، ۵۱۹؛ ج ۱۳: ۳۰۹)

از لوازم اثبات ظاهر استوای علی العرش، مکان‌مندی و اشاره‌مندی خداوند است. سلفیان به تبعیت از یهودیان، آسمان را مکان و منزل خداوند می‌انگارند. دارمی بالای کوه و مناره را نزدیک‌تر به خداوند از پایین آن‌ها می‌داند. (کوثری، ۲۰۰۹م: ۳۲۵) البته این گفته دارمی در تعارض با آیاتی از قرآن مانند آیه «كُلًّا لَا تُطِغُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ» (علق: ۱۹) است.

ابن تیمیه در انکار جهیمیه می‌نویسد:

هیچ‌کسی از سلف نگفته است که خداوند در آسمان و عرش نیست. هیچ‌کسی نگفته که همه مکان‌ها نسبت به خداوند مساوی هستند. کسی نگفته که او داخل یا خارج، متصل یا منفصل از عالم است. (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۴: ۲۷۲، ۳۷۴؛ همان، ج ۵: ۴۹ و ۲۵۸)

ابن تیمیه کسانی را که در آسمان بودن خداوند را انکار می‌کنند به منزله کفار می‌داند. وی در اثبات مکان‌مندی و عرش‌سواری خداوند می‌نویسد: اگر خداوند بخواهد با قدرت خویش می‌تواند بر پشت یک پشه‌ای هم قرار گیرد، پس چگونه نتواند بر روی عرش استقرار بیابد. (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۲۴۳)

یکی از استدلال‌های روایی سلفیان در مکان‌مندی خداوند حدیث معروف جاریه هست. بر اساس این حدیث، پیامبر ﷺ از کنیزکی پرسیدند خداوند در کجاست؟ او پاسخ داد در آسمان‌ها است. در ادامه حدیث، پیامبر ﷺ پاسخ کنیزک را پذیرفته و وی را آزاد می‌کنند. (بیهقی، ۱۹۹۹م: ۴۲۲-۳۹۰؛ کوثری، ۲۰۰۹م: ۳۲۰ تا ۳۲۶؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م: ۲۵۴؛ غزنوی، ۱۹۸۸م: ۸۱)

۵. ۶. چشم

نحمیای نبی از خداوند می‌خواهد که گوش‌هایش را تیز و چشمانش را باز کند تا صدای بندگان را خوب بشنود. (نحمیا، باب ۱، بند ۶)

ابن عثیمین و خمیس از معاصران سلفیه ذیل آیه ۳۷ سوره مبارکه هود، چشمان پروردگار را حقیقی می‌دانند. (خمیس، ۱۴۱۹ق: ۳۱؛ عثیمین، ۱۴۱۸ق: ۱۹) ابن‌قیم همگامی با مشبهه را نیکوتر از همگامی با مؤوله (تأویل‌گرا) می‌داند. (ابن‌قیم، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۹) سلفیان در اثبات مفهوم مادی چشم برای خداوند، به برخی از روایات هم استناد می‌کند. (بهرامی ۱۳۹۷: ۳۵۹)

۵. ۶. لبخند زدن

در تورات آمده است که خداوند بر تخت خود در بالای عرش آسمان‌ها نشسته و بر دشمنان خود لبخند می‌زند. (مزامیر، باب ۲، بند ۴ و ۱۱)

دارمی تقریباً همه یا اکثر احادیث «ضحک» را نقل می‌کند. او و قاضی ابویعلی هرگونه تأویل ضحک به اموری مانند رضا، رحمت، عفو و بخشش را رد می‌کنند. آن‌ها در اثبات ضحک الهی به روایات ضعیف مانند حدیث ابوزرین استناد می‌کند.^۱ (دارمی، ۱۹۹۵م: ۲۱۸)

ابن تیمیه ضحک را یک صفت کمالی و فقدان آن را نقص برای خداوند می‌داند: «فَالضَّحْكَ فِي مَوْضِعِهِ الْمُنَاسِبِ لَهُ صِفَةُ مَدْحٍ وَ كَمَالٍ...» و با هرگونه تأویل ضحک مخالفت می‌کند. (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۱۵؛ همان، ج ۳: ۷۱۲)

ابن بطه در کتاب خود بابی با عنوان «الْإِيمَانُ بَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَضْحَكُ» آورده است. او در رد تأویل، تقریباً همه روایات ضحک را که ۱۲ عدد است، ذکر می‌کند. (ابن‌بطه، ۱۹۹۴: ۳: ۹۱)

۵. ۷. رؤیت‌پذیری خداوند

در کتاب مقدس با تعبیری نظیر رأی و نظر و حزی بر دیده شدن خداوند اشاره شده است. مثلاً در آیه «دید که اینک در صحرا چاهی است»، این دیدگاه دلالت بر رؤیت عینی دارد. به طور مثال در بند اول از باب ۱۸ سفر پیدایش آمده است: «خدا بر وی آشکار گردید». (پیدایش، باب ۱۸، بند ۱) و نیز آمده است: «خدا دید که نیکو است». (پیدایش، باب ۱، بند ۱۰)

۱. «عن الحسن أن رسول الله ﷺ يأتي ربنا يوم القيامة ونحن على مكان رفيع فيتجلى لنا ضاحكاً...».

در متون سلفی نیز بر رؤیت پذیری خداوند ادعای اجماع شده است. این ادعا در آثاری نظیر التوحید ابن خزیمه، شعب الایمان بیهقی و اصول الدین تمیمی گزارش شده است. مفسران سلفی با استناد به ظاهر آیات و متواتر دانستن روایات رؤیت، هر نوع تأویلی را درباره آیه ﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ باطل می‌شمارند. (ابن تیمیه ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۷۵-۱۹۳؛ همان، ج ۳: ۳۴۱) قرطبی نیز در تفسیر آیه شریفه ﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ رؤیت را قطعی و قول جمهور دانشمندان می‌داند. (قرطبی، ۱۹۶۴م، ج ۱۰: ۱۰۷)

رؤیت در اندیشه ابن تیمیه دیدن خداوند با چشم سر است. نظیر دیدن ماه و خورشید. دیدن خدا با چشم سر برای مؤمنان آرزویی دست‌یافتنی است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۳۴۱) او می‌نویسد:

اجماع امت و سلف صالح بر این است که مؤمنان می‌توانند ذات خداوند را فقط در آخرت ببینند، اما سخن در اینکه آیا پیامبر در دنیا خداوند را مشاهده کرد یا نه میان سلف اختلاف است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۷۵)

ابن تیمیه رؤیت حق تعالی را قول سلف و جمهور مسلمانان می‌داند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۳۴۱؛ همان، ج ۲: ۱۹۳)

ابن تیمیه مدعی است بر اساس دیدگاه سلف هر کس مشاهده خدا در آخرت را انکار کند کافر است، اگر او ناآگاه باشد باید آگاهانیده شود، اگر پس از حصول علم همچنان سماجت بر انکار کند در این صورت پس کافر است.^۱ (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۶: ۴۸۶) به اعتقاد ابن تیمیه در عالم خواب و روز قیامت می‌توان خداوند را به چشم سر دید، همچنان که یک مؤمن به اندازه ایمانش از رؤیت خدا در خواب بهره می‌برد.^۲ (همان، ج ۳: ۳۹۰) ابن تیمیه می‌نویسد که خداوند در روز قیامت با لباس بدلی می‌آید و خود را معرفی می‌کند که من خدای شما هستم، ولی مردم جواب می‌دهند که ما تو را نمی‌شناسیم و از تو به خدای خود پناه می‌بریم؛ اگر خدای ما بیاید او را می‌شناسیم. سپس خداوند با قیافه و لباس اصلی وارد می‌شود و همه مردم او را می‌شناسند و به دنبال او روانه بهشت می‌شوند. ابن تیمیه تلاش می‌کند تا رؤیت به معنای ادراک حسی را اثبات کند و دیدن حسی هم مستلزم جسمانیت خداوند است. (ابن تیمیه، ۱۴۲۲ق، ج ۶: ۴۹۲ و ۴۵۳)

۱. «وَالَّذِي عَلَيْهِ جُمُوهُ السَّلَفِ إِنْ مَنْ جَحَلَ رُؤْيَا اللَّهِ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ فَهُوَ كَافِرٌ».

۲. «وَقَدْ بَرَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ فِي الْمَنَامِ فِي صُورٍ مُتَنَوِّعَةٍ عَلَى قَدَرِ إِيْمَانِهِ وَيَقِينِهِ... إِنَّكُمْ سَرَوْنَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ الشَّمْسَ فِي الظُّهْرِ لَيْسَ دُونَهَا سَحَابٌ وَكَمَا تَرَوْنَ الْقَمَرَ لَيْلَةَ الْبَدْرِ صَحْوًا لَيْسَ دُونَهُ سَحَابٌ».

۵. ۸. علو و ارتفاع

علو هم به معنای ارتفاع مکان است و هم به معنای ارتفاع منزلت. در سفر پیدایش آمده است: «کشتی را برداشت که از زمین بلند شد» (پیدایش، باب ۷، بند ۱۷) این فراز دلالت بر ارتفاع مکانی دارد.

۵. ۸. ۱. دیدگاه سلف

بر اساس ظاهر برخی از آیات قرآن (معارج: ۴؛ الرحمن: ۷؛ فاطر: ۱۰؛ انعام: ۱۸؛ نحل: ۵۰؛ حج: ۶۲؛ رعد: ۹؛ آل عمران: ۱۵۵) خداوند در افق بالا و بر فراز بندگان قرار گرفته است. ملائکه و روح، عمل نیک و پاک و پیامبرانی نظیر حضرت عیسی به سوی او بالا می‌روند و آفریدگان خداوند از اینکه او بر بالای سرشان قرار گرفته است، می‌ترسند. ملاحظه تفاسیر عالمان سلفی ذیل آیات فوق نشان می‌دهد که آن‌ها با اثبات ظاهر آیات علو و مخالفت با هر نوع تأویل نوعی از جسم‌انگاری را معتقدند.

سلفیان افزون بر آیات فوق، از برخی روایات هم کمک می‌گیرند. در احادیثی نظیر احادیث معراج، احادیث صعود و نزول ملائکه، حدیث اوعال و احادیث قبض روح و عوج گرفتن آن به نزد خدا (بهرامی، ۱۳۹۷: ۴۱۴) سلفیان بر این باورند که هر کس منکر فوقیت خداوند بر عرش باشد، باید توبه کند، در غیر این صورت باید گردن او را زد و بدنش را در مزبله انداخت.^۱ (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۵: ۱۳۸-۵۲؛ ۲۳: ۱۷۹؛ ابن قیم، ۱۴۲۲ق: ۱۶۹، ۳۵۴ و ۳۶۳)

به باور ابن قیم، ذات باری تعالی دارای علو است. او می‌نویسد: «حقیقت فوقیت، علو ذات یک چیز بر غیر خودش است». او بیش از ۱۶ دلیل در اثبات‌گرایی علو و انکار تأویل اقامه می‌کند. (ابن قیم، ۲۰۰۱م، ج ۱: ۴۳۴-۴۳۱)

۵. ۹. نزول

«صعود» و «نزول» به مفهوم پایین و بالا رفتن است. در کتاب مقدس مفهوم مادی و ظاهری از نزول و صعود برای خداوند به کار رفته است: - ناآشنایی که در میان تو است بر تو قائم و برافراشته خواهد شد و تو، متزلزل و پست می‌شوی. (تثنیه، باب ۲۸، بند ۴۳)

- و من فرود آمده و با شما تکلم خواهم کرد. (اعداد، باب ۱۱، بند ۱۷)
- در روز سوم خدا در نگاه همه مردمان بر کوه سینا فرود آمد. (خروج، باب ۲۰، بند ۱۱)

۱. «من لم یقل: إن الله فوق سمواته علی عرشه، بائن من خلقه، وجب أن یستتاب، فإن تاب و إلا ضربت عنقه، ثم ألقى علی مزبله، لئلا یتأذی به أهل القبلة ولا أهل الذمه».

- و زمانی که خداوند از تکلم با ابراهیم فارغ گردید از نزد او به بالا رفت.(پیدایش، باب ۱۷، بند ۲۲)

- درباره قوم سدوم و عموره می‌فرماید: «هم‌اینک فرود می‌آیم تا ببینم موافق این فریادی که به من رسید».(پیدایش، باب ۱۸، بند ۲۱)

- هم‌اینک فرود می‌آیم و زبان وی را مشوش سازیم.(پیدایش، باب ۱۱، بند ۷)
در همه این عبارات، مفهوم مادی از نزول و صعود به ذهن متبادر می‌شود.

۵. ۹. ۱. دیدگاه سلفی

بر اساس برخی از روایات خدای سلفیان هر شب هر طور که بخواهد به آسمان دنیا فرود می‌آید و می‌گوید: آیا کسی هست که مرا بخواند و من اجابتش کنم، و طالب مغفرتی هست که او را ببخشم... خدا این کار را تا طلوع فجر انجام می‌دهد.^۱ (ابن حبان، ۱۹۹۳م، ج ۳: ۲۰۱)

به باور سلفیان انکار نزول خداوند بدعت و گمراهی است؛ «فمن أنکر النزول أو تأوّل فهو مبتدع ضالّ»، هر کس فرود آمدن خدا را به آسمان دنیا انکار یا توجیه کند بدعتگذار و گمراه است.(ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۵: ۶۱)
«ابن بطوطه» در سفرنامه خود می‌نویسد:

«ابن تیمیه» در مسجد جامع دمشق که من حضور داشتم، بر بالای منبر گفت: خداوند به آسمان دنیا فرود می‌آید، همچنان که من از پله این منبر فرود می‌آیم، سپس یک پله پایین آمد.(ابن بطوطه، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۲۸)

ابن تیمیه در ردّ افرادی که نزول الهی را نزول ملائکه می‌دانند، می‌گوید: ملائکه پیوسته در شب و روز به زمین نازل می‌شوند، نه در ثلث آخر شب.(ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۵: ۳۶۷)

ابن قیم معتقد است اصل بر این است که ذات الهی نزول کرده باشد. «فلاحدیث الصحیحة صریحة و ان لم یذكر فیها لفظ الذات»؟! وی در کتاب مختصر الصواعق المرسله بابی تحت عنوان «ثبوت الانتقال و الحركة لله» تدوین کرده و در آن، در رابطه با طول و عرض و شکل و صورت و بالا رفتن و پایین آمدن خدا به تفصیل بحث کرده است.(ابن قیم، ۱۴۲۲ق: ۳۸۶-۳۶۳)

۱. «ینزل ربنا کلّ لیلہ الی السماء الدنیا حتّٰی یتقی ثلث اللیل، فیقول من یدعونی فأستجب له؟ من یسألنی فأعطیه؟ من یتستغفرنی فأغفرله؟»

۵. ۱۰. قرب، مس، تقدم

این سه اسم به معنای نزدیک بودن است و نزدیک بودن از نظر مکانی و جسمی را می‌رسانند.

این مفاهیم در این عبارات قابل مشاهده هستند:

- آن‌گاه که فرعون نزدیک گردید. (خروج، باب ۴، بند ۱۰)
- زمانی که یهودا نزدیک او آمد. (پیدایش، باب ۴۴، بند ۱۸؛ اشعیا، باب ۶، بند ۷)
- هر نزاعی که برایتان سخت است به نزد من آورید تا بشنوم. (تثنیه، باب ۱، بند ۱۷)
- ابراهیم در محضر خداوند ایستاده بود و او نزدیک آمده و گفت... (پیدایش، باب ۱۸، بند ۲۳)
- شما نزدیک بروید و هر چیزی که بیهوه گفت بشنوید. (تثنیه، باب ۵، بند ۲۷)
- موسی به تنهایی نزدیک خدا بیاید و ایشان نزدیک نیایند. (خروج، باب ۲۴، بند ۲)

۵. ۱۰. ۱. دیدگاه سلف

ظاهر برخی از آیات قرآن نشان می‌دهد که خداوند نسبت به غیر خود دوری و نزدیکی جسمی دارد. (بقره: ۱۸۶؛ هود: ۶۱؛ نجم: ۹؛ ق: ۱۶؛ واقعه: ۵۸) برخی از سلفیان با جمود بر ظاهر این نصوص دوری و نزدیکی ظاهری و جسمی به معنای مسافت را برای خداوند اثبات کرده‌اند. برای مثال قاضی ابویعلی «یدنیه» را ذات الهی می‌داند که صراحت در تجسیم است. (ابن جوزی، ۱۹۹۲م: ۱۸۶) ابویعلی تأویل «دنو» و نزدیکی را انکار و ظاهر آن را می‌پذیرد. (غنیمان، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۴۰۰) ابن تیمیه ذیل آیه «نحن اقرب الیه من حبل الوريد»^۱ قرب به ذات خداوند را قول سلف می‌داند. وی هر نوع تأویل قرب را ضعیف دانسته و انکار می‌کند. (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۵: ۴۶۶، ۵۰۰) غنیمان با انکار تأویل نصوص ماده «دنو»، انکار ظاهر آن را از بزرگ‌ترین گناهان می‌داند. (غنیمان، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۳۶۴) سلفیان در جهت اثبات‌گرایی خویش به برخی از روایات هم استدلال می‌کنند. برای مثال ابن عمر از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند که فرمودند: «خداوند به بنده خود نزدیک می‌شوند». (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۲۵)

۶. آثار سلفی روایتگر روایات تشبیهی یهودیان

دکتر ذهبی در باب سوم کتاب خود به معرفی کتاب‌های تفسیری سلفیانی پرداخته است که به نقل روایات اسرائیلی اقدام نموده‌اند. برخی از این تفاسیر عبارت‌اند از تفسیر جامع البیان طبری، تفسیر قرآن العظیم ابن کثیر، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تفسیر الکشف و البیان نیشابوری، تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی شهاب‌الدین آلوسی. (دیاری ۱۳۷۳: ۲۵۶؛ ذهبی، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۱۹)

علامه عسکری درباره راهیابی اسرائیلیات به متون سلفیان می‌نویسد:

آنچه بیشتر مایه تأسف است این است که خرافات یهودی به کتب معتبر حدیث پا نهاده و مهم‌تر و بیشتر از همه تاریخ و تفسیر طبری و تفسیر ابن کثیر و درالمنثور است. (عسکری، ۱۳۵۷، ج ۶: ۱۱۳)

یکی از تفاسیری که به تفسیر مأثور مشهور است تفسیر بحر العلوم سمرقندی است که ذهبی این تفسیر را از منابع تفسیری سلف می‌داند. در این تفسیر روایات تجسیمی و قصه‌های یهودی گزارش شده است. «تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن» ابواسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی یکی دیگر از منابع تفسیری سلف است. در این تفسیر نیز قصه‌های یهودی و روایات تشبیهی گزارش شده است. (ذهبی، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۱) همچنین به اعتراف ذهبی از ویژگی‌های تفسیر معالم التنزیل بغوی، نقل اسرائیلیات و روایات ضعیف و تشبیهی است. (ذهبی، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۰) این تفسیر مورد تأیید و از منابع ابن تیمیه است. ابن تیمیه تفسیر بغوی را در قیاس با تفاسیری نظیر زمخشری و قرطبی سالم‌تر و نزدیک‌تر به کتاب و سنت می‌داند. (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۳: ۵۴؛ ابن تیمیه، بی‌تا: ۳۳)

ذهبی می‌نویسد که از جنبه‌های تفسیر سلفی جواهر الحسان ثعالبی تکیه و اعتماد به گزارش‌های اسرائیلیات است. مطالعه صفات خبری خداوند ذیل آیات خبری گواه مدعای ذهبی است. (ذهبی، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۹) بنابر آنچه گفته شد وجه مشترک اکثر قریب به اتفاق تفاسیر سلفی در این است که آن‌ها از روایات تجسیمی اسرائیلیات فراوان استفاده کرده‌اند. همچنین اندیشه تجسیمی یهودیان در آثار و منابع حدیثی سلفیان قابل توجه است؛ در ادامه به سه اثر اشاره می‌شود.

۶. ۱. «التوحید» ابن خزیمه

این کتاب مملو از روایت‌های اسرائیلی است و آیات صفات را با ظاهر حرفی تفسیر نموده است و صفات ظاهری نظیر دست، انگشت، پا، صورت، چشم، گوش، گوشت،

خون، نیازمندی به مکان و... را به خداوند نسبت داده است. این کتاب از منابع عمده فرقه وهابیت قرار گرفته است.

۶.۲. «السنه» عبدالله بن احمد بن حنبل

در این کتاب از خنده، دست، پا، چشم، گوش و... و دیگر اعضا و جوارح و همچنین لزوم فضا و مکان برای خدا سخن گفته شده است. همچنین، «السنه» هبة الله الحسن اللالكائي، «الصفات»، ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی، «التوحید»، ابن منده و «العرش و ما روی فیه» اثر محمد بن عثمان ابی شیبہ سرشار از احادیث تجسیمی هستند.^۱

۷. اسباب و مبانی تأثیرپذیری سلفیان از یهودیان

۷.۱. اسباب فرهنگی اجتماعی

اسرائیلیات، اصطلاحی در معارف اسلامی، به خصوص در زمینه تفسیر و علوم حدیث، ناظر به احادیث، قصص و مفاهیمی است که نه در قرآن و روایات پیامبر ﷺ، بلکه در تعالیم امت‌های پیشین به‌ویژه بنی‌اسرائیل ریشه دارند و حاصل جریانی است از داستان و اسطوره‌پردازی و وجوهی دیگر از آموزه‌های غیر اصیل که به ویژه در قرن نخست هجری توسط اشخاصی بیشتر از یهودیان اسلام آورده - ساخته شده و به آموزش‌های مسلمانان راه‌یافته است.

از عوامل مهم، ورود اسرائیلیات به متون اسلامی، این است که در بسیاری از آیات قرآنی و روایات نبوی، اشارات متعدد، اما گذرا به انبیا و اقوام پیشین آمده که تفضیل و تفسیر آن از راه استفاده از منابع دیگر میسر بود. مهم‌ترین منبع برای اقناع این حس کنجکاوی و نیز اطلاع از اخباری که به مدد آن بتوان آیات و روایات را تفسیر کرد، عهد عتیق و اخبار یهودی بود که انبوهی از اطلاعات واقعی یا افسانه آمیز را در دسترس قرار می‌دهد. (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۱۳)

همچنین حمایت برخی از خلفا، به ویژه معاویه از صحابه و تابعین یهودی مسلمان شده سبب شد تا برخی از این شخصیت‌ها مانند ابوهریره و عبدالله بن عمرو بن عاص و وهب بن منبه بیش از ۵۷۰۰ حدیث جعل نمایند. (ابوریه، بی‌تا: ۱۷۴، محمدقاسمی، ۱۸۰،

۱. برای آگاهی بیشتر و شواهد فراوان از روایات تجسیمی منابع فوق به بهرامی (۱۳۹۷) فصل دهم و یازدهم مراجعه شود.

(۷۱) از جمله پیامدهای اسرائیلیات این است که تفکر تجسیمی و تشبیهی یهودیان وارد ادبیات دینی مسلمین خصوصاً جامعه سلفی شد.

۲.۷. اسباب قرآنی

در منابع سلفی رویکردی مثبت و موحدگونه نسبت به اهل کتاب وجود دارد. منابع سلفی با استدلال به برخی از آیات قرآن مجوز نقل روایات تشبیهی از یهود را صادر می‌کنند. به عنوان مثال از ظاهر برخی آیات قرآن امر به مراجعه به یهود و پرس‌وجو و اعتماد به آن‌ها استنتاج می‌گردد:

- ﴿سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ﴾. (بقره: ۲۱۱)

- ﴿فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَفْرَعُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ﴾. (یونس: ۹۴)

- ﴿فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ﴾. (اسراء: ۱۰۱)

- ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾. (انبیاء: ۷)

- ﴿وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا﴾. (زخرف: ۴۵)

امر به پرس‌شگری از یک شخص و عدم اعتماد به آن موجب لغو بوده و زیننده حق تعالی نیست.

همچنین از ظواهر برخی آیات اعتماد به شهادت اهل کتاب فهمیده می‌شود:

- ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ

الْكِتَابِ﴾. (رعد: ۴۳)

- ﴿وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ﴾. (احقاف: ۱۰)

۳.۷. اسباب روایی

یکی از احادیثی که دستاویزی برای سلفیان شده تا به بهانه آن به نقل اسرائیلیات پردازند حدیث «حدثوا عن بنی اسرائیل و لا حرج...» است. به باور ابن تیمیه پیامبر ﷺ نقل حدیث از اهل کتاب را جایز دانسته‌اند. این حدیث به طرق و اشکال مختلف در منابع حدیثی سلف نظیر مسند احمد، صحیح بخاری و کنز العمال گزارش شده است. (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۱۷۰)

۴.۷. اسباب تاریخی

به گزارش ابن تیمیه ابن مسعود و ابن عباس از اهل کتاب حدیث نقل می‌کردند. شاهی دیگر از اعتماد صحابه به اسرائیلیات برخورد عبدالله بن عمر در روز یرموک به

دو یهودی و دریافت یک کتاب از احادیث اسرائیلیات و نقل حدیث از آنان است. (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۱۳: ۳۶۶)

ابن حجر عسقلانی می‌نویسد: «عبدالله بن عمرو العاص که بر بسیاری از کتب اهل کتاب دست یافت و اخبار غیبی آن‌ها را برای دیگران بازگو می‌کرد تا آنکه اصحابش به او گفتند: از پیامبر برای ما سخن بگو نه از این کتاب‌ها». (ابن حجر، ۱۹۸۴م، ج ۲: ۵۳۳)

۵.۷. اسباب علمی

به باور سلفیان تکیه و اعتماد بر اسرائیلیات یکی از منابع فهم علمی قرآن است. (ذهبی، بی‌تا، ج ۱: ۳۱، ۴۸ و ۵۷؛ ابن خلدون، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۵۵۵) کافی است در این زمینه به دیدگاه ابن کثیر ذیل آیه ۶۷ سوره بقره و آیه اول سوره «ق» و به‌طور مبسوط‌تر، به پژوهش‌های استاد معرفت بنگریم که بیش از دویست صفحه از جلد دوم کتاب التفسیر و المفسرون را به اسرائیلیات در تفسیر و اعتماد سلفیان بر حجیت علمی اسرائیلیات اختصاص داده است.

حجیت انگاری اسرائیلیات موجب شد تا تفاسیر و منابع تفسیری سلفیه مشحون از مطالب یهودی شود. رشید رضا در این باره می‌نویسد:

کعب الاحبار و وهب بن منبه نیرنگ‌بازترین و ریاکارترین یهودیان مسلمان شده‌ای بودند که با اعتماد به خرافات اسرائیلی روایات تجسیمی را وارد متون اسلامی نمودند. (رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۱: ۱۰ و ۱۴۷؛ همان، ج ۷: ۴۴۳، ج ۸: ۸۹، ۱۸۶، ۳۱۷ و ۳۹۹)

۸. اعترافات سلفیان بر تأثیر پذیری از یهودیان

۸.۱. اعتراف طبری

به باور ابن تیمیه با ارزش‌ترین و صحیح‌ترین تفاسیر، تفسیر طبری است. (ابن تیمیه، بی‌تا: ۲۳) طبری در تفسیرش از اهل کتاب و یهود نظیر کعب الاحبار، فراوان روایت نقل می‌کند. او در قصه هاروت و ماروت و افسانه غرانیق از اسرائیلیات سخن به میان می‌آورد. (ذهبی، بی‌تا، ج ۱: ۱۵۴) اندیشه‌های تجسیمی کعب الاحبار نقشی برجسته در تفسیر طبری دارد. برای مثال طبری می‌نویسد:

شخصی نزد کعب الاحبار آمد و پرسید خدای ما کجاست؟ او پاسخ می‌دهد: خدا بر عرش تکیه داده و یک‌پایش را روی پای دیگر انداخته است... و آسمان‌ها از سنگینی او در حال ترکیدن است. (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱: ۵۰۱)

علامه عسگری می‌نویسد:

تفسیر و تاریخ طبری سرشار از سخنان ابن جریج مسیحی تازه‌مسلمان و عبدالله ابن سلام است و بسیاری از مفسران آن مطالب را در کتاب‌های تفسیری خود آورده‌اند. طبری از برخی از اسرائیلیات نیز دفاع نموده است. از جمله مواردی که ابن جریر طبری متأثر از اهل کتاب بوده می‌توان به داستان ذبح اسماعیل، احادیث جسمیت و هیکل، احادیث جبر، روزهای آفرینش و آسایش خداوند، نسبت‌های ناروا به پیامبران الهی و داستان فریب خوردن آدم در بهشت اشاره نمود.

طبری ذیل آیه شریفه ﴿و کصیب من السما فیه ظلمات و رعد و برق...﴾ (بقره: ۱۹) می‌نویسد: «در برخی روایات رعد به فرشته یا صدای فرشته و برق به تازیانه او تفسیر شده است». طبری در اینجا ۱۸ روایت نقل کرده است از جمله اینکه مجاهد گفته است رعد فرشته‌ای است که با صدای خود ابرها را به حرکت درمی‌آورد. (طبری، ۲۰۰۰: ۱: ۳۳۳)

۲.۸. اعتراف اشعری

اشعری می‌نویسد:

فرقه مقاتلیه منسوب به مقاتل بن سلیمان است. این فرقه در ورطه تجسیم و تشبیه افتادند و با استناد به روایات جعلی و اسرائیلیات، برای خداوند اندامی مانند دست، پا و چشم و حرکاتی همچون نشستن، برخاستن و راه رفتن قائل شدند. (اشعری، ۲۰۰۵، ج ۱: ۱۲۸)

در ادامه خواهیم گفت که مقاتلیه یکی از گرایش‌های سلفی است.

۳.۸. اعتراف شهرستانی

فرقه‌شناسان مشهور اسلامی نظیر شهرستانی بر این باورند که ایده تجسیم و اندام‌وارگی و ظاهرگرایی خداوند در برخی فرق اسلامی نظیر سلفیان بازتاب و انعکاس یافته عقاید تجسیمی یهودیان است؛ شهرستانی پیشینه این باور را به یهودیان نسبت می‌دهد. (شهرستانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۹۱) بسیاری از یهودیان که به طرف اسلام کشیده شدند احادیث متعددی را در جسمانیت حق تعالی ساختند و وارد شریعت اسلامی کردند و تمامی احادیث تجسیم از تورات سرچشمه گرفته است. (شهرستانی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۷) به گفته شهرستانی:

اهل حدیث اخبار دروغ و ساختگی را در دین زیاد کردند و آن‌ها را به پیامبر گرامی اسلام نسبت دادند که بیشتر آن‌ها از یهود گرفته شده بود. تشبیه در میان یهود امری طبیعی بود. (شهرستانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۰۰)

۸. ۴. اعتراف ابن تیمیه

ابن تیمیه با پذیرش اینکه صحابه در تفسیر و حدیث به اهل کتاب اعتماد می‌کردند و از آن‌ها نقل می‌کردند اجمالاً تأثیرپذیری از یهودیان را پذیرفته است، اما به توجیه این رفتار پرداخته و می‌نویسد این تکیه بر اسرائیلیات برای استشهاد بوده است نه استدلال؛ «وَلَكِنْ هَذِهِ الْأَحَادِيثُ الْإِسْرَائِيلِيَّةُ تَذَكُرُ لِلْإِسْتِشْهَادِ لَا لِلْإِعْتِقَادِ». (ابن تیمیه، ۱۹۸۰م، ج ۲: ۳۹)

۸. ۵. اعتراف بزدوی

بزدوی معتقد است برخی روایات حاکی از صفات جسمانی خداوند و ازجمله صورت از اسرائیلیات و نفوذ یهود در جامعه اسلامی تأثیرپذیری مسلمانان از یهود است و قال عامة اليهود انه جسم في صورت الأدمی لحم و دم و يحكون عن دانیال [عَلَيْهِ السَّلَام] أَنَّهُ قَالَ رَأَيْتُ قَدِيمَ الْأَنَامِ، أَبْيَضَ الرَّأْسِ وَ الْبَدَنِ، جَالِسًا عَلَى الْعَرْشِ، وَاضِعًا قَدَمَيْهِ أَوْ رَجْلَيْهِ إِلَى الْكَرْسِيِّ وَ قَالَ مَنَعَنِي أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَرَى نَفْسَهُ عَلَى صُورٍ مُخْتَلِفَةٍ فِي أَيَّامٍ مُخْتَلِفَةٍ تَارَةً عَلَى صُورَةِ آدَمَ وَ تَارَةً عَلَى صُورَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ تَارَةً عَلَى صُورَةِ نُوحٍ وَ تَارَةً عَلَى صُورَةِ عِيسَى [عَلَيْهِ السَّلَام] وَ مُحَمَّدٍ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ] ... (بزدوی، بی‌تا: ۲۲)

۸. ۶. اعتراف سیوطی

سیوطی می‌نویسد از عبدالله بن عمرو بن عاص مطالبی نقل شده که به نظر می‌رسد آن‌ها را از اهل کتاب گرفته است مانند آنچه از او درباره مکان داشتن خداوند فرموده است: (فی ظلال من الغمام) (بقره: ۲۱۰). (سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۲؛ همو، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۳۰۵)

۸. ۷. اعتراف ابن خلدون

ابن خلدون می‌نویسد:

تفاسیر از گفته‌های یهود و نصارا مملو گشته و مفسران هم در این زمینه سهل‌انگاری کردند و کتاب‌های تفسیری را از این قماش روایات پر کردند و ریشه همه این روایات از تورات و یا دروغ‌بافی‌های یهود و نصارا سرچشمه گرفته است. (ابن خلدون، ۱۹۸۸، ج ۱: ۵۵۵)

۸.۸. اعتراف رشید رضا

رشید رضا می‌نویسد که ابن منبه و کعب الاحبار اسرائیلی هر دو از تابعینی بودند که روایات بسیار عجیب و غریبی نقل کرده‌اند که به هیچ اصل معقول یا منقولی متکی نیستند. (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۴۴) یکی از ویژگی‌های صفات تشبیهی عدم سازگاری آن با عقل است.

۸.۹. اعتراف ابن کثیر

ابن کثیر شاگرد ابن تیمیه و از سلفیان مشهور در کتب خود خصوصاً در کتاب تفسیر القرآن العظیم به روایات متعددی اشاره می‌نماید که با معارف اسلامی سازگاری نداشته و برگرفته از فرهنگ یهود است. به عنوان نمونه در مورد روایتی که از عبدالله بن عمر نقل شده چنین می‌گوید: «نسبت دادن این روایت به رسول خدا ﷺ منکر و دروغ است». نظر بهتر این است که این سخن خود عبد الله بن عمرو است که از همان دو خورجینی که در روز جنگ یرموک پیدا کرده بود، نقل می‌کند. (ابن کثیر، ۱۹۹۹، ج ۷: ۴۲۳)

۸.۱۰. اعتراف البانی

البانی که سلفیان وی را بخاری زمان معرفی می‌نمایند، تصریح می‌کند که برخی روایات از منابع یهود وارد منابع حدیثی مسلمانان شده است. وی در کتاب «صحیح سیره النبویه»، روایتی از عبدالله بن سلام نقل می‌کند و در ادامه آن توضیح می‌دهد این روایتی که نقل شده به کلام خود عبدالله بن سلام یهودی شبیه‌تر است. همچنین عبد الله بن عمرو بن العاص در جنگ یرموک دو خورجین از کتب اهل کتاب پیدا کرد و از آن‌ها روایات زیادی را نقل کرده است.

۹. راویان اسرائیلیات تجسمی

مکتب تفسیری و حدیثی سلفیان در ابتدا از سخنان دانشمندان یهودی و مسیحی نومسلمان نظیر ابن جریج، تمیم داری، وهب بن منبه، کعب الاحبار و عبدالله بن سلام تغذیه شده است. برخی از پژوهشگران بر این باورند که بسیاری از مواضع صحاح الستة اکنده از سخنان یهودیانی نظیر کعب الاحبار است. (ذهبی، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۹) پژوهشگر دیگری می‌نویسد:

کعب الاحبار، تمیم داری، عبدالله بن سلام و وهب بن منبه از جمله یهودیان مسلمان شده‌ای بودند که بیشترین نقش را در انتقال فرهنگ یهودی و اسرائیلیات

و از جمله روایات تشبیهی و تجسمی در جامعه اسلامی داشتند. (محمدقاسمی ۱۳۸۰: ۸۵)

معمولاً در تفاسیر سلفی ذیل آیات ﴿فَقَالُوا ارْنا الله جهره﴾ (نساء: ۱۵۳) و آیه ﴿و اذ قُلتم یا موسیٰ لن نومن لک حتی نری الله جهره﴾ (بقره: ۵۵) اندیشه جسم‌انگاری یهود مطرح شده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این راویان اشاره اجمالی می‌کنیم.

۹. ۱. کعب الاحبار

کعب در عهد جاهلیت از دانشمندان بزرگ یهود بود و در زمان ابوبکر به اسلام گروید. کعب پس از اسلام آوردن از تورات برای صحابه حدیث نقل می‌کرد. احادیث فراوانی از کعب در صحیحین و سنن اهل سنت گزارش شده است. برخی از صحابه از جمله ابوذر غفاری به دروغ‌های کعب پی برده و با او مخالفت کردند. روایات زیادی از کعب گزارش شده است که اندیشه جسم‌انگاری و انسان‌وارگی خداوند را آشکار می‌کند. روایات کعب در متون حنابله و اهل حدیث گزارش شده است (دیاری ۱۳۸۳: ۱۵۸) برای مثال وی روایت ذیل را از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

خدا به زمین نگرست و گفت در برخی از نقاط آن گام خواهم نهاد. در این موقع کوه‌ها تکبر ورزیدند، ولی صخره بیت‌المقدس اظهار تواضع کرد و خدا گام بر روی صخره نهاد و گفت: «این مقام من و نقطه‌ای است که محشر در آن بر پا می‌شود و جای بهشت و دوزخ من است». (ابی‌نعیم، ۱۳۸۷، ج ۶: ۲۰؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۳۰۵)

۹. ۲. عبدالله بن عمرو بن العاص

در مجموع از عبدالله بن عمر بیش از ۷۰۰ حدیث در منابع حدیثی گزارش شده است. او همواره تورات را مطالعه می‌کرد. ابن‌حجر می‌نویسد: «عبدالله به یک بار شتر از کتاب‌های یهودیان در شام دست یافت و از آن‌ها روایت نقل می‌کرد. به همین خاطر بسیاری از بزرگان تابعین از حدیث وی پرهیز می‌کردند». (دیاری، ۱۳۸۳: ۱۷۴) سیوطی درباره اقتباس و اثرپذیری عبدالله از اهل کتاب می‌نویسد:

از عبدالله مطالبی درباره پیشگویی‌ها و داستان‌ها گزارش شده که نوعاً از یهودیان اقتباس نموده است. نظیر آنچه از او درباره آیه (فی ظلال من الغمام...) ﴿بقره: ۲۱۰﴾ رسیده است. (سیوطی، بی‌تا، ج ۴: ۲۴۰)

احادیث فراوانی از ابوهریره در جوامع تفسیری و روایی اهل سنت گزارش شده است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از افرادی نظیر کعب الاحبار نقل شده‌اند. نظری اجمالی در روایات تجسمی منابع سلف نشان می‌دهد که بخش عمده روایات تشبیهی و تجسمی به وسیله افرادی نظیر ابوهریره نقل شده است. (بهرامی، ۱۳۹۷: ۳۵۹)

ابوهریره در مدت مصاحبت یک سال و نه ماه با پیامبر ﷺ بیشترین احادیث را آن حضرت نقل کرده است. اگر مجموع احادیث عایشه با زیست چهارده ساله او با پیامبر ﷺ و همچنین مجموع روایات زنان آن حضرت و روایات حضرت زهرا (ع) و خلفا راشدین را گرد آوریم تنها به نیمی از احادیث ابوهریره می‌رسد. ابوهریره نزدیک به ۵۴۰۰ حدیث از پیامبر نقل کرده است که بخاری از آن میان ۴۴۶ حدیث نقل نموده است. (محمدقاسمی، ۱۳۸۰: ۱۳۱)

ابن کثیر می‌نویسد:

ابوهریره با کعب الاحبار رابطه و همنشینی زیادی داشته و از او حدیث نقل می‌کرده است. در صحیحین از ابوهریره نقل شده است که خداوند آدم را به صورت خودش آفرید و این معنا در تورات سفر پیدایش نیز آمده است. (دیاری، ۱۳۸۳: ۱۷۸) همچنین روایات تشبیهی ذیل از ابوهریره گزارش شده است:

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ حَتَّى إِذَا فَرَغَ مِنْهُمْ، قَامَتِ الرَّحِمُ فَأَخَذَتْ بِحَقْوِ الرَّحْمَنِ فَقَالَ: مَهْ، فَقَالَتْ: هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ مِنَ الْقَطِيعَةِ... (حاکم، ۱۹۹۰م، ج ۴: ۱۷۸)

حقو و حجز به محل بستن و محکم کردن شلوار می‌گویند.

۲. قدم داشتن خداوند؛ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَا تَزَالُ جَهَنَّمُ [تَقُولُ هَلْ مِنْ مَرِيدٍ] حَتَّى يَضَعَ رَبُّ الْعِزَّةِ فِيهَا قَدَمَهُ فَتَقُولُ قَطُ قَطُ وَعِزَّتِكَ وَيُرَوَّى بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ.

دارقطنی تقریباً همه روایات حاکی از قدم را نقل می‌کند که نه حدیث است. از این تعداد شش روایت به نقل ابوهریره است. (دارقطنی، ۱۴۰۲ق، ج ۱: ۴۳)

۳. اذیت شدن خداوند؛ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يُؤَذِّنِي ابْنُ آدَمَ يَسُبُّ الدَّهْرَ وَ أَنَا الدَّهْرُ بِيَدِي الْأَمْرُ أَقْلِبُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ أَنَا الدَّهْرُ... (مقدسی، ۱۹۹۸: ۵۰)

۴. مکان داشتن خداوند؛ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَا الدَّهْرُ بِيَدِي الْأَمْرُ أَقْلِبُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ أَنَا الدَّهْرُ... (مقدسی، ۱۹۹۸: ۵۰)

۵. خندیدن خداوند؛ لَقَدْ ضَحَكَ اللَّهُ أَوْ عَجِبَ مِنْ فَعَالِكَمَا. (ابن منده، ۲۰۰۱م: ۲۵۹)

۴.۹. مجاهد بن جبر

مجاهد بن جبر با کنیه ابوالحجاج اهل مکه و از مفسران طبقه تابعان است. تفسیر مجاهد منسوب به ایشان است که مورد اعتماد سلفیان است. ذهبی می‌نویسد: «به اعمش گفته شد چرا از روایات مجاهد اجتناب می‌کنید؟ گفت: به خاطر اینکه او به اهل کتاب مراجعه و از آن‌ها حدیث نقل می‌کند. به همین دلیل ابن حبان مجاهد را جزء ضعفا می‌شمارد».

مجاهد روایاتی تشبیهی از نگاه جسم انگارانه به مجردات نقل کرده است. برای مثال درباره رعد می‌گوید: «رعد نام فرشته از فرشتگان خداوند است که ابرها با صدای او به حرکت درمی‌آیند» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۴۵۵).

رشید رضا در تفسیر آیه ۱۹ بقره می‌نویسد: «شکی در این نیست که این مطالب به وسیله افرادی نظیر وهب و کعب و مجاهد در جامعه مسلمین انتشار یافته است» (دیاری، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

۵.۹. مقاتل بن سلیمان

مقاتل بن سلیمان بلخی مکنی به ابوالحسن متوفی ۱۵۰ هجری قمری از مفسران بزرگ قرن دوم هجری است. ابن حبان درباره مقاتل این‌گونه گزارش می‌کند: «مقاتل علوم قرآنی را از اهل کتاب می‌گرفت. وی عقیده‌مند به تشبیه و تجسیم بود و خدا را تشبیه به مخلوقاتش می‌نمود» (دیاری، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

اینکه مقاتل بن سلیمان کانال انتقال تفکر تجسیمی یهودیان به متون سلفیه بوده است مورد پذیرش متکلمان اسلامی است. بزدوی در این زمینه می‌نویسد:

و قال عامة اليهود انه جسم في صورة الأدمي لحم و دم و ... و قالت الكرامية و الحنابلة و مقاتل بن سليمان انه جسم على صورة الأدمي لحم و دم... (بزدوی، بی‌تا: ۲۲)

اشعری می‌نویسد:

فرقه مقاتلیه منسوب به مقاتل بن سلیمان است. این فرقه در ورطه تجسیم و تشبیه افتادند و با استناد به روایات جعلی و اسرائیلیات، برای خداوند اندامی مانند دست، پا و چشم و حرکاتی همچون نشستن، برخاستن و راه رفتن قائل شدند (اشعری، ۲۰۰۵م، ج ۱: ۱۲۸).

مقاتل بن سلیمان مورد تأیید ابن تیمیه است. روایات تشبیهی مقاتل در آثار ابن تیمیه گزارش شده است؛ «و أما مقاتل لا ريب في علمه بالتفسير وغيره» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۶۱۷) برای مثال روایت تشبیهی ذیل از مقاتل گزارش شده است:

أبو یعلی عن مقاتل بن سلیمان أنه قال: (قال عبد الله بن مسعود فی قول الله عزوجل: (یوم یکشف عن ساق)، یعنی عن ساقه الیمین فیضیء من نور ساقه الأرض فذلک قوله: ﴿وأشرق الأرض بنور ربها﴾ (زمر: ۶۹). (ابن جوزی، ۱۹۹۲م: ۱۲۱)

نتیجه گیری

- نتایجی که این پژوهش به آن دست یافته عبارت اند از:
۱. اینکه تصور کنیم یهودیان همواره نگاهی تأویل گرایانه به صفات خبری خداوند دارند تصور صحیحی نیست.
 ۲. رویکردی تشبیهی و تجسمی از صفات خداوند هرچند نا غالب در میان یهودیان قابل ردیابی است.
 ۳. از مظاهر و مصادیق نفوذ فرهنگی یهودیان در جامعه اسلامی، تأثیرپذیری از یهودیان در خداشناسی و توحیدشناسی سلفیان است.
 ۴. جریان سلفی جریانی است که بیشترین تأثیرگیری را در حوزه صفات شناسی خداوند از یهودیان گرفته است.
 ۵. یکی از عوامل شکل گیری دیدگاه تجسمی سلفیان تأثیرپذیری آن ها از یهودیان است.
 ۶. نوع نگاه به برخی از آیات قرآنی و روایات و همچنین سیره صحابه بستر انتقال تفکر تجسمی یهودیان به جامعه سلفی را موجب شده است.
 ۷. همراهی و همگامی نظری جامعه سلفی در حوزه صفات خداوند با جامعه یهودی می تواند موجب همکاری عملی آن ها در دیگر حوزه ها باشد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، انتشارات ایلام: ۲۰۰۲م.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر دمشقی (۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: سامی بن محمد، ج ۲، بیروت: دار طیبه للنشر و التوزیع

- ابن أبي يعلى، ابوالحسين محمد بن محمد (بی تا)، *طبقات الحنابلة*، تحقیق: حامد الفقی، بیروت: دار المعرفة.
- ابن احمد، عبدالله بن احمد حنبل (۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م)، *السنة*، محقق: القحطانی، ج ۱، [بی جا]: دار ابن القيم.
- ابن بطّة العکبری الحنبلی، عبدالله بن محمد (۱۹۹۴ م)، *الإبانة*، محقق: عثمان عبدالله آدم الأثيوبي، ج ۲، ریاض: دار الراه.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷ ق)، *رحلة ابن بطوطه*، مغرب: أكاديمية المملكة المغربية.
- ابن تیمیه (۱۴۲۶ ق / ۲۰۰۵ م)، *مجموع الفتاوى*، محقق: أنور الباز و عامر الجزار، ج ۳، [بی جا]: دار الوفاء.
- _____ (۱۴۹۰ ق / ۱۹۸۰ م)، *مقدمه فی أصول التفسیر*، بیروت: دار مکتبة الحیاة.
- _____ (بی تا)، *مقدمه فی التفسیر*، [بی جا]: [بی نا].
- _____ (۱۴۲۶ ق)، *بیان تلبیس الجهمیة*، تحقیق: مجموعة من المحققين، ج ۱، [بی جا]: مجمع الملك.
- _____ (۱۴۰۶ ق)، *منهاج السنة النبویة*، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۱، قاهره: مؤسسة قرطبة.
- _____ (۱۴۲۲ ق)، *جامع المسائل لابن تیمیه*، ج ۱، تحقیق محمد عزیر شمس، [بی جا]: دار عالم الفوائد.
- ابن جوزی، ابوالفرج جمال الدین (۱۹۹۲ م)، *دفع شبه التشبیہ*، تحقیق: حسن السقاف، اردن: دار الامام النووی.
- ابن حبان، محمد ابوحاتم (۱۹۹۳ م / ۱۴۱۴ ق)، *صحيح ابن حبان*، تحقیق: الارنووط، ج ۲، بیروت: الرسالة.
- ابن حجر، ابوالفضل احمد عسقلانی (۱۹۸۴ م / ۱۴۰۴ ق)، *النتک علی کتاب ابن الصلاح*، محقق: عمیر المدخلی، ج ۱، المدینة: عمادة البحث العلمی.

- ابن حزم الظاهری، علی بن عبدالرحمن (بی تا) *الفصل فی الملل والاهواء*، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن حنبل، احمد ابو عبدالله (۱۹۹۹م)، *مسند احمد*، تحقیق: الأرئووط، ج ۲، قاهره: مؤسسة قرطبه.
- ابن خزیمه، ابوبکر محمد (۱۹۹۴م)، *کتاب التوحید*، تحقیق: الشهوان، ج ۵، ریاض: مکتبه الرشید.
- ابن خلدون عبدالرحمن بن محمد (۱۹۸۸م / ۱۴۰۸ق)، *دیوان المبتدأ*، محقق: خلیل شحاده، ج ۲، بیروت: دار الفکر.
- ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۰۴ق)، *تبیین کذب المفتری*، ج ۳، بیروت: دار الکتاب.
- ابن قیم الجوزی، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۲ق)، *مختصر الصواعق المرسله*، تحقیق: ابراهیم، قاهره: دارالحديث.
- ادوارد، پیترز فرانسیس (بی تا)، *یهودیت، مسیحیت و اسلام: کلمه و شریعت و قوم خدا*، مترجم: حسین توفیقی، قم: حوزه علمیه قم / مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ابن منده، محمد بن اسحاق (۲۰۰۱م)، *کتاب التوحید*، تحقیق: حسن اسماعیل، ج ۱، بیروت: دارالکتب.
- ابوریّه، محمود. (بی تا)، *اضواء علی السنه المحمدیه*، قاهره: دارالمعارف.
- ابی نعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی (۱۳۸۷ق)، *حلیه الاولیاء و صفات الاوصیاء*، بیروت: دار الکتاب العربی.
- اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل (۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م)، *مقالات الاسلامیین*، محقق: نعیم زررور، ج ۱، [بی جا]: المکتبه العصریه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *صحیح البخاری*، محقق: محمد زهیر، ج ۱، [بی جا]: دار طوق.
- بزدوی، علی بن محمد (بی تا)، *اصول البزدوی*، کراچی: مطبعه جاوید.

- بهرامی، حمزه علی (۱۳۹۷)، *مبانی تفسیری جریان سلفی*، اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان.
- بیهقی، ابی بکر احمد بن الحسین (۱۹۹۹م)، *الأسماء و الصفات*، تحقیق: الکوثری، مصر: المكتبة الازهریه.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (۱۹۹۰م)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: عبدالقادر عطا، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خمیس، محمد بن عبد الرحمن (۱۴۱۹ق)، *اعتقاد أهل السنة*، ج ۱، سعودی: وزارة الشؤون الإسلامیه.
- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۰۲ق)، *الصفات*، تحقیق: عبدالله الغنیمان، ج ۱، مدینه منوره: مکتبه الدار.
- دارمی (۱۹۹۵م)، *الرد علی الجهمیه*، ج ۲، کویت: دار ابن الاثیر.
- دیاری، محمدتقی (۱۳۸۳)، *پژوهشی در باب اسرائیلیات*، تهران: نشر سهروردی.
- ذهبی، محمد حسین (بی تا)، *التفسیر و المفسرون*، قاهره: مکتبه وهبه.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، *سیر أعلام النبلاء*، ج ۹، بیروت: مؤسسة الرساله.
- رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، *تفسیر المنار*، بیروت: دار المعرفه.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه
- _____ (۱۴۱۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*، بیروت: دار الفکر.
- شهرستانی عبدالکریم (۱۴۰۴ق)، *الملل و النحل*، تحقیق: کیلانی، ج ۲، بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، ابوجعفر محمد (۱۴۲۰ق / ۲۰۰۰م)، *جامع البیان فی تأویل القرآن*، محقق: محمد شاکر، ج ۱، بیروت: مؤسسة الرساله.

- عثیمین، محمد بن صالح بن محمد (۱۴۱۸ق)، عقیده اهل السنة و الجماعة، عربستان: وزارت الشئون السلامیه.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۵۷)، نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین، تهران: بنیاد بعثت.
- غزنوی، جمال الدین احمد (۱۹۸۸م)، اصول الدین، تحقیق: الداعوق، ج ۱، بیروت: دار البشائر.
- غنیمان عبدالله بن محمد (۱۴۰۹-۱۴۰۰ق)، شرح کتاب التوحید، مکتبه الشاملة.
- قرطبی، ابو عبدالله شمس الدین محمد (۱۳۸۴ق / ۱۹۶۴م)، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، تحقیق: احمد البردونی، ج ۲، قاهره: دارالکتب المصریه.
- کوثری، محمد زاهد (۲۰۰۹م)، مقالات الکوثری، مصر: مکتبه الازهریه التراث.
- لهیمید، سلیمان بن محمد (بی تا)، شرح کتاب التوحید محمد بن عبدالوهاب، عربستان سعودی: رفحاء.
- محمد قاسمی، حمید (۱۳۸۰) / اسرئیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن، تهران: سروش.
- محمودی، مریم السادات (۱۳۹۷)، ابن میمون و روش مواجهه با آیات تشبیهی عهد عتیق، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵)، التفسیر و المفسرون، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- مقدسی، عبد الغنی (۱۹۹۸م)، کتاب التوحید لله، تحقیق: الحایک، ریاض: دار المسلم للنشر.

